

# اثرات نامطلوب کلیشه‌های تصویری در ذهن کودکان

از زندگی روزانه ما غنی‌تر و شگفت‌آورتر، جدی‌تر یا مسخره‌تر، زیباتر یا زشت‌تر، متشنج‌تر یا پیچیده‌تر است. کتابهای تصویری طی یک دوره طولانی، با تلاش و پافشاری صاحب‌نظران و هنرمندان این عرصه توانسته‌اند مرزهایی را که در هر دوره تاریخی در مقابلشان قرار داده‌اند، پشت سر بگذارند. زمانی تصویر تنها نقش تزئینی برای کتابهای کودکان داشته است، اما امروز با شنیده شدن در کلام، یک شکل عالی هنری، بصورت یک ژانر ادبی جدید در ادبیات کودکان درآمده است. طی دهه‌های اخیر کتابهای تصویری رشد بسیاری یافته‌اند. این کتابها تنها به سن اولیه کودکی تعلق ندارند. گونه‌گون شده‌اند، در جهات مختلف ریشه دوانیده‌اند، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین تجربیات مضامین را دربرمی‌گیرند و هر سبکی را که تاکنون در تاریخ هنر نقاشی بوجود آمده است، می‌پذیرند. کتابهای تصویری می‌توانند با بازی با

ساختمانهای غیرواقعی و بیانگر خود، کودکان را از فشار زیاد واقعیت رها کنند و در عین حال با وسیع‌تر کردن دید و درک او از جهان، وی را از تنگناهای زندگی نجات دهند. کتابهای تصویری می‌توانند تجربه و درک زیبایی‌شناسی به کودکان هدیه کنند. اما همه این می‌تواند مشروط به چگونگی و کیفیت خلق این تصاویر است. کتاب تصویری از آنجا که یکی از وسائل ارتباط جمعی است جزء کالاهای مصرفی با تولید انبوه به شمار می‌رود.

بنابراین تعجب‌آور نخواهد بود که در این بازار رقابت و تولید انبوه تعداد قابل توجهی از این کتابها معیارها و ضوابط هنری را ترک گویند، و گاه با اجرای عالی و ظاهری زیبا و فریبنده ولی از نظر خلاقیت هنری بی‌ارزش و مبتذل به دست کودکان برسند. اما خطری که ادبیات کودکان و بویژه کتابهای تصویری را تهدید می‌کند، کلیشه شدن برخی موضوعها، تصاویر، فرمها، ترکیب‌بندی و به طور کلی نحوه ارائه آنهاست.

با بررسی تعداد قابل ملاحظه‌ای از کتابهای کودکان و نوجوانان در کشورهای مختلف متوجه خواهیم شد که کلیشه‌های تصویری مدام در حال افزایش‌اند و دوباره و دوباره در این یا آن کتاب با تغییرات بسیار کم ظاهر می‌شوند. یافتن کلیشه‌های تصویری در کتابهای کودکان کشورمان سخت و دشوار نیست و نیاز به موشکافی دقیقی ندارد. با ورق زدن کتابهای تصویری منتشره در چند سال اخیر و آنهم نه تمامی کتابها، بلکه آثار برخی از پرکارترین تصویرگرانمان، متوجه خواهیم شد که چگونه کلیشه‌ها به طور وسیع و نگران‌کننده‌ای در ادبیات کودکان ریشه دوانیده‌اند.

مطلق‌گرایی به معنای همه چیز را در قالب

کودک از همان نخستین سالهای زندگی سرشار از صداها، فرمها، فیگورها و رنگهای مختلف است. رادیو، تلویزیون، کتاب، روزنامه، عکس، نقاشی و تمامی وسایل ارتباط جمعی بخش ثابتهایی از محیط کودک را تشکیل می‌دهند. کودکان در مسیر رشد خود بتدریج آگاه می‌شوند که وسایل ارتباط جمعی بخشی دیگر از واقعیت را به آنان نشان می‌دهند که با واقعیت ملموسی که آنان می‌شناسند متفاوت است. دنیای سمبولیک و واقعی، هر دو در زندگی کودک نقش دارند و هیچیک بر دیگری غالب نیست. ارتباط متقابل این دو دنیای کودک را غنا می‌بخشد.

در میان تمامی وسایل ارتباط جمعی که با دنیای کودکان و نوجوانان به طور مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط می‌یابند، کتابهای تصویری جای ویژه و نقشی برجسته دارند. زیرا این دستاورد بزرگ هنری می‌تواند با زبان استعاری و سمبولیک، کودک را به دنیایی خیالی ببرد که

به راستی چگونه کودک و نوجوان ما می‌تواند خود را به جای شخصیت‌های این نوع کتابها یعنی این عروسکهای بی‌جان و مصنوعی بگذارد و هویت خود را در آنها بیابد. باید نگران بود چون این کلیشه‌ها در ذهن کودکان و نوجوانان به طور ثابت و تغییرناپذیر جای می‌گیرند و نفوذی ناآگاهانه در شکل‌گیری و تثبیت برخی نظرات و عقاید در کودکان دارند.



## علاقه کودکان و نوجوانان به مطالعه کتابهای ادبی رو به کاهش است. کودکان از دیدن و خواندن کلیشه‌های تکراری و قالبی که با زندگی آنان هیچگونه ارتباطی ندارد خسته شده‌اند.

زیسای مطلق با زشت مطلق دیدن از جمله کلیشه‌هایی است که در اکثر کتابهای تصویری جهان می‌توان ملاحظه کرد. شوارتز (Schwarz) یکی از بزرگترین پژوهشگران آلمانی در ادبیات کودکان و نوجوانان معتقد است که مکتب والت دیسنی در تقویت این نوع کلیشه در کتابهای تصویری کودکان نقش عمده داشته است. گرچه نمی‌توان انکار کرد که والت دیسنی و پیروان او با خلاقیت و اختراعات خود در زمینه سرگرمی و بازی عصر ما را غنا بخشیده‌اند، اما تأثیر منفی کارهای او و پیروانش را بر روی کتابهای تصویری سراسر جهان نباید نادیده گرفت. سبکی که در مکتب والت دیسنی بارز و ویژه و به عنوان قالبی عمومی برای بسیاری از کتابهای کودکان درآمده است، ارائه تصاویر کودکان، بزرگسالان، حیوانات در یک فرم ایده‌آل است. همه آنها زیبا و بی‌عیب و نقص هستند شخصیت‌های بی‌گناه و پاک که هیچگاه دچار خطا و یا احتمالاً گناه نمی‌شوند و همواره در مقابل افراد یا شخصیت‌های فوق‌العاده بد و شرور می‌ایستند. به همین ترتیب زمینه تصاویر اعم از منظره یا فضای داخلی خانه‌ها و اشیاء همه و همه زیبا، قیمتی و پاکیزه هستند. دفرمه کردن شخصیت‌ها روی دیگر این سکه است. موجوداتی احق و وحشی که همیشه در پی تعقیب و آزار دیگرانند. مکتب دیسنی در عمل تأثیر خود را بر روی کتابهای تصویری کودکان همه کشورها گذاشته است. بنابراین حاکم محبوبیت و همگانی شدن این سبک دشوار نیست. جدا از این واقعیت که تصاویر به آسانی قابل تقلید و کپی کردن هستند، این زیبایی مصنوعی به ایده‌آلهای کاذب کودکان پاسخ می‌دهد. از سوی دیگر موجودات دفرمه شده و وحشی نیز جوابگوی احساسات خشن و خشمی هستند که کودکان در ذهن خود پنهان کرده‌اند.

گرچه مکتب دیسنی، سالیهاست که تأثیر خود را بر روی کتابهای تصویری ما به جای گذاشته است، اما با بررسی کتابهای تصویری چندسال اخیر به روشی درمی‌یابیم که کلیشه مطلق‌گرایی به یک کلیشه عام و همگانی تبدیل شده است. با این تفاوت که اگر دیسنی و پیروانش این نوع کلیشه‌ها را با تسلط به فن نقاشی و عالی‌ترین تکنیکهای آن به اجرا درآورده‌اند، تصویرگران ما گناه به دلیل عدم آگاهی و عدم تسلط کافی به این هنر و تکنیکهای آن، و گاه نیز به دلیل شتابزدگی یا دلایل دیگر تصاویر کلیشه‌ای مطلق‌گرایانه خود را به شکلی ساده و Naive و در برخی موارد با طراحي و نکیتك ضعف به اجرا درمی‌آورند. در بسیاری از کتابهای تصویری مشاهده می‌کنیم که تصاویر کودکان که معمولاً شخصیت‌های اصلی داستان نیز هستند، به شکل عروسکهای زیبا و ملوس اما فاقد روح و هرگونه احساس انسانی ارائه می‌شوند. کله‌های گرد و بزرگ، دو نقطه به جای چشم‌ها، دو لکه سرخ روی گونه‌ها، یک خط به جای لبه، دایره‌ها مثل عروسک‌های پارچه‌ای یا پنبه‌ای قدیم یا عروسک‌های پلاستیکی مسووز، در مسورت مشخص کردن چشما آنها را گرد و شیشه‌ای، خالی از هرگونه احساس شادی یا غم نشان می‌دهند که به دوردست‌ها با نقطه‌ای نامعلوم خیره شده‌اند. شخصیت‌ها حتی در یک داستان، تنها با متفاوت بودن رنگ و فرم لباس، قابل تشخیص‌اند. حرکات این عروسکها نیز خشک و مصنوعی است. هیچ نوع هماهنگی بین حرکت سر با سایر اندام بدن یا دستها با پاها وجود ندارد. به راستی چگونه کودک و نوجوان ما می‌تواند خود را به جای شخصیت‌های این نوع کتابها یعنی این عروسکهای بی‌جان و مصنوعی بگذارد و هویت خود را در آنها بیابد.

این مطلق‌گرایی، زیبا و عروسکی کردن شخصیت‌ها در کشیدن تصاویر بچه‌های روستایی و به طور کلی روستائیان در بسیاری از کتابهای تصویری تکرار می‌شوند. تصویرگران بدون توجه به اینکه در طی سالها چه تغییراتی در روستاهای ما، طرز لباس پوشیدن و نحوه زندگی مردم بوجود آمده است، با تکرار همان کلیشه‌های تصویری که از روستاها و روستائیان در ذهن دارند، تصویرسازی می‌کنند. بر سر همان عروسکهای زیبا و ملوس کلاه‌نمدی می‌گذارند جلیقه‌های تمیز با شلوازی گشاد به تنش می‌کنند درحالی‌که گالشهای نوک برگشته‌ای هم به پا دارند.

کشیدن مناظر زیبا و روشن که همه چیز در آن بسر می‌زند و بگونه‌ای مصنوعی است، نوع دیگری از بازناب کلیشه مطلق‌گرایانه در کتابهای تصویری است. گل‌های پنج‌پر رنگی، تپه‌ها و دشتهای سبز و درختهای متحدالشکل که مانند از عناصر ثابت مناظر طبیعی این نوع کتابهاست.

درحالی‌که کشور ما دارای تنوع طبیعی کم‌نظیری است. طبیعت در هر گوشه این آب و خاک به گونه‌ای رخ می‌نماید. از جنگلهای سرسبز شمال تا کویرهای بی‌آب و علف جنوم، از کوههای سر به فلک کشیده تا دره‌های عمیق، پوشش گیاهی سرزمین ما هزاران نوع گل و گیاه را دربرمی‌گیرد.

چنانکه تصویرگر این گونه‌گونی طبیعی را در تصاویر خود منعکس کند می‌تواند علاوه بر عمیق‌تر و وسیع‌تر کردن تخیلات و تصورات کودکان از مناظر طبیعی، جس زیبایی‌شناسی او را نیز تقویت کند.

در کتابهای شعر کودکان، انواع کلیشه‌های مطلق‌گرایانه که در بالا ذکر شد، تکرار می‌شوند با این تفاوت که در اینجا تصاویر برخلاف کتابهای

داستانی که به گونه‌ای با محتوای داستان در ارتباط است با محتوی شعر و تخیلات بیان شده در آن هیچگونه ارتباطی ندارند و یا این پیوند بسیار ضعیف و کم‌رنگ است. گاه تصویر تنها در ارتباط با عنوان شعر است و در موارد بسیاری تنها صفحه مورد نظر را تزئین می‌کند.

کلیشه دیگری که در برخی از کتابهای تصویری می‌توان ملاحظه کرد، تغییر فرمها و رنگها و خارج کردن آنها از شکل واقعی است. البته هنرمند دارای سبک می‌تواند اندازه‌ها، نسبتها و زوایا را در تصاویر تغییر دهد در صورتیکه اولاً با قوانین هنری و زیبایی‌شناسی در تضاد نباشد و ثانیاً این بازی با شکل و فرم و رنگ در خدمت پرورش فانتزی درون داستان و در پی آن برانگیختن تخیل بیشتر کودک باشد. اشکال خواه شئی باشند یا حیوان یا انسان، علیرغم همه تغییرات انجام شده می‌باید هویت آنها قابل تشخیص باشد. متأسفانه آنچه کلیشه‌شده است، دفرمه کردن اشکال، تغییر رنگها و تأکید بر عناصر تزئینی بدون ارتباط با متن داستان است. استفاده کلیشه‌ای از رنگ برای القاء شادی یا غم و فقدان عوامل پرورش‌دهنده تخیل و تفکر از ویژگی‌های ثابت برخی از این کتابهاست.

اما چرا باید تا این حد نگران کلیشه‌های سازی در کتابهای تصویری بود؟

باید نگران بود چون این کلیشه‌ها در ذهن کودکان و نوجوانان به طور ثابت و تغییرناپذیر جای می‌گیرند و نفوذی ناآگاهانه در شکل‌گیری و تثبیت برخی نظرات و عقاید در کودکان دارند.

پاتریشیا سانیلو Patricia Cianciolo معتقد آمریکایی معتقد است که تبعیت از قوانین معینی در تصویرگری کتاب کودکان غیراصولی است. شوارتز Schwarcz یک قدم هم پیش‌تر می‌رود و اظهار می‌دارد، وقتی این تبعیت مبتذل انجام شد، نوبت القاء برخی عقاید و نظرات می‌رسد. اصول و عقایدی که از طریق داستان و تصویر به کودک تزریق می‌شود تا خارج از چارچوب آن هیچ نقطه نظری را نپذیرد. در واقع کودک به آن سو خواهد رفت که تفکر همه‌جانبه را ترک گوید

و در برابر این با آن حکم مورد قبول خود نقطه پایانی بگذارد. در اینجا است که رشد فردیت در جامعه متوقف می‌شود و موانعی جدی بر سر راه رشد نظرات گوناگون انسانی بوجود می‌آید.

باید نگران بود چون تعداد اینگونه کتابها در سطح جهان و بخصوص در کشور ما رو به افزایش است. از آنجا که چنین کتابهایی معمولاً نیاز به کار فکری و هنری کمتری دارند و بنابراین سریعتر تولید می‌شوند و هزینه کمتری را در بر می‌گیرند، مورد توجه ناشرین و بنگاه‌های نشر قرار گرفته‌اند. ناشرین در واقع از سروجین و مشوقین تولید این نوع کتابهای کلیشه‌ای پرسود و کم‌هزینه هستند. آنها با صحنه گذاشتن بر این با آن کلیشه تصویری و رد کردن تجربیات و ابتکارات جدید، تصویرگران را مجبور می‌کنند تا مطابق میل و خواست آنها عمل کنند و پا از قالب‌های تصویری فراتر نگذارند.

ناشرین و تصویرگرانی که دست به اینگونه کلیشه‌سازیها در ادبیات کودکان می‌زنند، در واقع قضاوت نادرستی درباره کودکان در ذهن دارند. آنها می‌انگارند که کودک عروسک یا بازیچه است، موجودی است احمق و نادان، یا در بهترین حالت کودک موجودی است که عمل و عکس‌العملش با بزرگسالان متفاوت است.

کریستین نوستلینگر Christine Nostlinger نویسنده بزرگ کودکان و نوجوانان اطریشی می‌گوید: «تا زمانی که با کودکان به عنوان انسانهای بدون مسئولیت برخورد شود، با ادبیات کودکان هم به عنوان وسیله ارتباطی جمعی غیر مسئولانه برخورد خواهد شد.»

باید نگران بود چون علاقه کودکان و نوجوانان به مطالعه کتابهای ادبی روبرو کاهش است. کودکان از دیدن و خواندن کلیشه‌های تکراری و قالبی که با زندگی آنان هیچگونه ارتباطی ندارد خسته شده‌اند.

بازار کتاب کودکان کساد است! تنها نه به دلیل گرانی کاغذ و مشکلات چاپ (که خود عامل مهمی می‌تواند به شمار آید!) دلیلی که برای ما هشدار دهنده و زنگ خطری است جدی، از میان

رفتن علاقه و کنجکاوی کودکان و نوجوانان به مطالعه کتابهای ادبی است.

این ملاحظات ما را با این سؤال مواجه می‌کند که چه جنبه‌هایی در کتابهای تصویری باید مورد توجه تأکید و تشویق قرار گیرند؟

کتابهای تصویری باید یک یا بیش از یکی از مفاهیم زیر را در خود مجسم کنند:

۱- سرگرم‌کننده باشند: کتاب تصویری برای هر سنی که تهیه می‌شود باید قادر باشد که خواننده و بیننده را بازنده و پرکشش بودن خود، حتی اگر موضوع سنگینی هم داشته باشد، جذب کند. بچه‌ها حق دارند، همانطور که بزرگسالان هم چنین حقی را دارند، با کتاب مشغول و سرگرم شوند. خالق کتابهای تصویری باید با بازی با کلمات، شکلها، رنگها، درهم آمیختن واقعیت با فانتزی، امکان یک لبخند را به کودک بدهد. امکان یک استراحت، تا تشهائش آرام گیرد، کنجکاویش برانگیخته شود و با علاقه موضوع داستان را دنبال کند.

۲- قدرت تخیل و تجسم کودک و نوجوان را تقویت و حمایت کنند: زبان سمبولیک و استعاری که تصویرگر در داستانهای تخیلی خود به کار می‌برد، بخشی از میراث ارتباط سمبولیک بشری است و هیچ کودکی از این موقعیت که ضمن یادگیری کاربرد آن، لذت هم می‌برد، نباید محروم شود.

۳- عیلاق و خواستهای مهم انسانی را منعکس کنند: شخصیتها باید در داستانهای تصویری زنده باشند و گونه‌گونی انسانها را نشان دهند. رفتارها، صحبتها و نگاههایشان کاذب و دروغین نباشند. داستانهای تصویری باید صادقانه بسا کودکان و دنیایش درگیر شوند و عیلاق، نگرانیها، شادیها، غمها و مشکلاتش را منعکس کنند. کتاب تصویری نباید مفاهیم و ایده‌هایی را به کودک دیکته کند بلکه باید جلوه‌ای باشد از تجربیات بی‌پایان انسانی.

مجموعه کتابهای تصویری کودکان و نوجوانان کلی ادبیات کودکان و نوجوانان باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا عمیقاً دریابند که نامی و

موضوع بحث و گفتگو که امکان تبادل نظر و پذیرش نظرات مختلف را مهیا می‌سازد، سوق دهد.

۵- پاسخگویی حسن زیبایی‌شناسی کودک باشند:

کتابهای تصویری با کیفیت خوب تصویری و بکارگیری همه سبکهای هنری اعم از رئالیستی، اکسپرسیونیستی و حسی آستره، تجربه زیبایی‌شناسی کودک را بالا می‌برد.

هدف از طرح این مفاهیم و ویژگی‌ها، برخورد کلیشه‌ای با کلیشه‌ها نیست! هدف طرح پیشنهادی است که رشد کلیشه‌ها را در ادبیات کودکان محدود سازند. بدون شک ارزیابی کتابهای تصویری داستانی، علیرغم در نظر گرفتن تمامی این مفاهیم، امریست دشوار. به ویژه آنکه ما هرگز نمی‌توانیم نقطه نظرات آموزشی خود را از معیارهای زیبایی‌شناسی، ادبی و هنر جدا کنیم! که نباید هم چنین کنیم! ما تنها بدون شناختن باید اجازه دهیم که عقاید آموزشی، قضاوت زیبایی‌شناسانه ما را بهبود بخشند.

در عصر پرشتاب دگرگونیها، معیارهای ارزیابی کتابهای تصویری نیز همواره در حال تحولند. این دستاورد بزرگ هنری می‌تواند همچون خیال و تصورات کودک تمامی قالبهای تنگ را درهم شکند و در دنیای سحرآمیز و نو سیر کند. در پیوند با مفاهیم تازه روانشناسی و ارزشهای آموزشی، بدون مرز و یا نقطه پایان پیش رود و کودک را نیز، نه از راههای همیشه کسبیده شده بلکه از راههای نو، که پاسخگویی کنجکاویها و سرکنشی‌های درونی‌اش باشند، با خود پرواز دهد و او را از این هستی تنگ رها سازد.

روابط اجتماعی و پیچیدگیهای آن روابط پیدا کند. کتاب تصویری برای تحقق چنین هدفی باید بگونه‌ای باشد که کودک یا نوجوان خود را به شخصیت اصلی داستان نزدیک احساس کند و به عبارتی هویت خود را در او بیابد و نقشهای اجتماعی آینده خود را با او تجربه کند. کتاب تصویری می‌تواند کودک را یاری دهد تا برای نقطه نظرات دیگران احترام و ارزش قائل شود. کلمه و تصویر می‌توانند کودک را از موضعی که تنها بر روی نظر خود صحنه می‌گذارد، به سوی

امنیت، شکست و پیروزی، تضاد و هماهنگی در زندگی کنار هم قرار دارند و جدایی‌ناپذیرند و همه آنها هستی انسان را شکل می‌دهند.

۴- مفاهیم اجتماعی را بیان کنند: کتابهای تصویری باید از همان سنین اولیه کودکی به شکل تخیلی یا واقعی کودک را با حرکات و رفتارهای انسانی، روابط میان افراد و به طور کلی روابط اجتماعی آشنا سازد. کتابهای تصویری در تمام سطوح سنی به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تر و وسیع‌تری از جنبه‌های مختلف

### بایبررسی تعداد قابل ملاحظه‌ای از کتابهای کودکان و

نوجوانان در کشورهای مختلف متوجه خواهیم

شد که کلیشه‌های تصویری مدام در حال

افزایش‌اند و دوباره و دوباره در این

کتابها با تغییرات بسیار کم

ظاهر می‌شوند.



### منابع

- 1- Ways of the illustration - by Joseph. Schwarcz 1975
- 2- Visual communication in picture books - by J. Schwarcz 1991
- 3- An introduction to the world of children's books - by Margaret Marshall 1982